یادداشت روز

آینه‌ای مقابل دولت

سید محمدعماد اعرابی

همین هفته پیش بود که دکتر پزشکیان، رئیس محترم‌جمهور، با انتشار مطلبی در صفحه شخصی‌شان نوشتند: «به‌جای آنکه برای دیگران مانع ایجاد کنیم و پرونده بسازیم، دایره حمایت اجتماعی خود را گسترش دهیم.» آقای پزشکیان اندکی بعد، یعنی سه روز پیش، مجدداً مطلب دیگری تقریباً با همین مضمون منتشر کردند و نوشتند: «اگر خودمان خود را تحریم نکنیم و اقدام به حذف گزینشی نکنیم، دشمن نمی‌تواند ما را حذف کند و یا به زانو درآورد.» به نظر می‌رسد این موضوع ذهن رئیس محترم‌جمهور را کاملا درگیر کرده، چون باز هم به فاصله اندکی، این بار در ۲۰ مهر ۱۴۰۵، در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها فرمودند: «نباید چنین باشد که بخواهیم فردی را برای مسئولیتی انتخاب کنیم، اما ناگهان از سوی دستگاه یا مجموعه دیگری، از جمله قوه قضائیه، با طرح ایرادها و مسائل مختلف مواجه شویم. ایراد گرفتن و ایجاد مانع کار دشواری نیست؛ مسئله این است که آیا می‌توانیم اجازه دهیم افراد شایسته بر اساس صلاحیت‌های واقعی خود مسئولیت بپذیرند و برای حل مشکلات کشور اقدام کنند؟»

این سخن آقای رئیس‌جمهور در حالی بود که ایشان ۲۷ تیر ۱۴۰۵ از هماهنگی بی‌سابقه قوای مقننه و قضائیه با دولت ابراز رضایت کرده و فرموده بودند: «در طول تاریخ انقلاب، چنین انسجامی میان قوای مجریه، قضائیه و مقننه برای پیگیری حقوق ملت ایران بی‌سابقه است. آقایان اژه‌ای و قالیباف با تمام توان، ما را در این مسیر همراهی می‌کنند.»

با این حساب، باید دید دکتر پزشکیان قصد انتخاب چه فردی را برای چه مسئولیتی داشته‌اند که حتی همین قوه قضائیه‌ای که به اعتراف خودشان در همراهی با دولت سنگ تمام گذاشته، صلاحیت آن فرد را رد کرده است! در مورد مجلس نیز به همین صورت است و نمی‌توان گلایه‌های آقای رئیس‌جمهور درباره ممانعت از انتخاب و انتصاب افراد را وارد دانست. مجلس شورای اسلامی ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ به تمام وزیرانی که آقای پزشکیان معرفی کرده بود، بدون استثنا و علی‌رغم انتقادات و مخالفت‌ها رأی اعتماد داد؛ اتفاقی که در تاریخ جمهوری اسلامی ایران فقط برای سه رئیس‌جمهور دیگر رخ داده بود.

رئیس محترم‌جمهور در همان سخنرانی ۲۰ مهر ۱۴۰۵ در دانشگاه شهید بهشتی فرمودند: «اگر قرار است افرادی برای مدیریت مجموعه‌ها انتخاب شوند، باید انتخاب آنها بر اساس شایستگی و صلاحیتشان باشد، نه اینکه فردی به رئیس‌جمهور یا شخص دیگری وابستگی داشته باشد.» این سخن دکتر پزشکیان کاملا صحیح است، اما به نظر می‌رسد گاهی از طرف خود ایشان نادیده گرفته می‌شود.

از آنجا که آقای پزشکیان شخصیتی مردمی و بی‌تکلف دارند، ما به خودمان جرئت می‌دهیم در این زمینه با صراحت بیشتری صحبت کنیم. زمانی که ایشان معاونت اجرایی و معاونت پارلمانی خود را در ابتدای دولت انتخاب کردند، هرچه در کارنامه و سوابق کاری آنها جست‌وجو کردیم، نکته قابل‌توجهی به چشم نخورد، اما وابستگی و رفاقت آنها با آقای رئیس‌جمهور بر همگان عیان بود. مشابه چنین انتخاب‌هایی باز هم در دولت چهاردهم دیده می‌شد تا جایی که «علی شکوری‌راد»، دبیرکل سابق حزب اتحاد ملت و از حامیان جدی آقای پزشکیان، گفت: «دکتر پزشکیان یک رویکردی به نام رفاقت دارد که تمام کلیشه‌های سیاسی را می‌شکند. عالم رفاقت برای او بر عالم سیاست ارجح است... حتی رفقایی که اصلا در حوزه سیاست و کارهای دولتی نبودند را هم به حوزه اجرا آورده است.»

قسمتی از نتیجه این رویکرد رفاقتی آن شد که معاونت پارلمانی رئیس‌جمهور که وظیفه مهمی در هماهنگی دولت و مجلس داشت، بسیاری از اوقات خود را در سفرهای خارج از کشور می‌گذراند و فروردین ۱۴۰۴، درست زمانی که مردم فشار تورم و تنگنای معیشتی را در زندگی خود حس می‌کردند، ایشان به سفر اشرافی قطب جنوب رفت که البته با اقدام تحسین‌برانگیز دکتر پزشکیان برکنار شد. معاونت اجرایی رئیس محترم جمهور نیز با اقدامات شاذ و اظهارات قابل‌تأمل خود، از جمله «حضور در جشن رژیم سعودی در اوج جنگ علیه یمن»، «زیر سؤال بردن انتقام از قاتلان رهبر شهید»، «پیشنهاد تعطیلی غنی‌سازی» و... تا همین امروز حاشیه‌ساز است و البته همچنان به اقدامات خود ادامه می‌دهد.

اگر از احکام صادرشده برای به‌کارگیری دو تن از بستگان رئیس محترم‌جمهور در نهاد ریاست‌جمهوری، بدون در نظر گرفتن سوابق و میزان شایستگی آنها، بگذریم، دکتر پزشکیان در به‌کارگیری افراد مدنظرشان آن‌قدر دستشان باز بوده که توانسته‌اند افرادی با سابقه مجرمیت و زندان را با خود به نهاد ریاست‌جمهوری ببرند. افرادی که با توجه به سوءپیشینه‌شان قابلیت استخدام در هیچ مسئولیتی در هیچ‌کدام از دوایر دولتی را نداشتند، اما سر از شورای اطلاع‌رسانی دولت درآوردند. اگر عدالت در نظام اداری رعایت می‌شد، آنها هرگز نباید به نهاد ریاست‌جمهوری راه پیدا می‌کردند، اما نهادهای نظارتی و امنیتی در این زمینه با آقای پزشکیان همراهی کردند و چشم‌پوشی کردند. پس با این حساب، رئیس محترم‌جمهور از کدام مانع در انتخاب افراد شکایت می‌کند؟!

دکتر پزشکیان در قسمت دیگری از سخنان خود در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها در ۲۰ مهر ۱۴۰۵ فرمودند: «مگر من دیوانه‌ام که حرف درستی به من بگویند و نپذیرم؟! یکی راه درست را به من نشان بدهد و قبول نکنم؟! هیچ ظلمی بالاتر از این نیست که حرف درست را نپذیری، حرف حق را نپذیری.»

همه ما به یاد داریم همان مجلسی که در اقدامی کم‌سابقه به تمام وزیران دکتر پزشکیان رأی اعتماد داده بود، ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ وزیر وقت اقتصاد و دارایی ایشان را به دلیل سوءمدیریت، مخصوصا در حوزه بازار ارز و سکه، استیضاح کرد و رأی اعتماد خود را پس گرفت. میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در جلسه استیضاح آقای وزیر گفت: «برخی از سخنرانی‌های وزیر اقتصاد باعث دامن زدن به تشنج در بازار شد و به نظر ما بهترین کمک به دولت، اصلاح تیم اقتصادی دولت است. ما شاهد افزایش قیمت دلار در مدت کوتاهی بوده‌ایم و از سوی دیگر، در این مدت کم، نرخ تورم ماهیانه، دو و نیم برابر شده و عمده آن مربوط به نرخ سبد کالاهای غذایی است. رشد سرسام‌آور قیمت‌ها در کنار چاپ پول بدون پشتوانه باعث بروز مشکلات عدیده در این حوزه شده است.»

لازم به یادآوری است که آن زمان هیچ جنگی رخ نداده بود، اما قیمت ارز و نرخ تورم ماهیانه تنها طی ۶ ماه از شروع به کار دولت تقریباً دو برابر شده بود. پیام نمایندگان مجلس به دولت واضح بود؛ آنها راه را به قوه مجریه نشان دادند و گفتند دولت نمی‌تواند با چنین وزیرانی مسیر خود برای رفع مشکلات مردم را به‌درستی بپیماید و حضور چنین افرادی بخشی از مشکل است. متأسفانه رئیس محترم جمهور حرف درست نمایندگان مجلس را نپذیرفت و اندکی بعد، وزیر استیضاح‌شده اقتصاد را به‌عنوان رئیس بانک مرکزی منصوب کرد و این روزها اوضاع نابسامان بازار ارز به‌اندازه کافی گویای همه چیز است.

دلسوزترین آقای ایران، یعنی رهبر شهید انقلاب، که علاقه قلبی دکتر پزشکیان به ایشان برای همه اثبات شده است، نیز راه درست را به دولت ایشان نشان دادند و گفتند: «کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذرّه‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذرّه‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمی‌خورد؛ او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصوّر کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود، او از ظرفیّت‌های کشور استفاده نخواهد کرد، او خوب مدیریّت نخواهد کرد.»

اما حدود یک ماه بعد از این راهنمایی آقای عزیز ایران، معاونت خلق‌الساعه‌ای در دولت تأسیس شد تا یکی از چهره‌های اصلی جریانی که رهبر شهید انقلاب رئیس‌جمهور را از آن نهی کرده بودند، در آنجا مستقر شود. محمدجواد ظریف ۱۳ مرداد ۱۴۰۳، علی‌رغم منع قانونی، به‌عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور منصوب شد و نهایتاً نه با اقدام دکتر پزشکیان، که با اعمال قانون «ممنوعیت انتخاب یا انتصاب مقامات و مدیران دارای تابعیت مضاعف» از این مسئولیت کنار رفت. فردی که این روزها، علی‌رغم دست بالای ایران در میدان نبرد و درماندگی دشمن آمریکایی، مشغول تئوریزه کردن «تسلیم» در برابر دشمن است.

بقیه در صفحه ۷

آسیب به کابل‌های اینترنت تنگه هرمز چه بر سر متحدان آمریکا می‌آورد؟

اختلال کابل‌های تنگه هرمز فراتر از افت سرعت، تراکنش‌های بانکی، خدمات ابری و لجستیک تجاری را زمین‌گیر می‌کند.

اختلال در کابل‌های زیردریایی اینترنت تنگه هرمز می‌تواند از کاهش کیفیت ارتباطات فراتر برود و تراکنش‌های بانکی، دسترسی به خدمات ابری و تبادل اطلاعات تجاری را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه‌های مستند نشان می‌دهد شدت این پیامدها به ظرفیت مسیرهای جایگزین، معماری سامانه‌ها و آمادگی سازمان‌ها برای ادامه فعالیت در شرایط بحران بستگی دارد.

کابل‌های زیردریایی از زیرساخت‌های اصلی ارتباطات بین‌المللی‌اند. اتحادیه بین‌المللی مخابرات اعلام کرده است که این کابل‌ها بیش از ۹۹ درصد تبادل داده بین‌المللی را حمل می‌کنند و ارتباطات مالی، خدمات ابری و فعالیت زیرساخت‌های حیاتی به آن‌ها وابسته است. این رقم درباره مجموعه کابل‌های جهان است و سهم کابل‌های خلیج‌فارس یا تنگه هرمز را نشان نمی‌دهد.

با این حال، آسیب‌دیدن یک کابل الزاماً به قطع کامل اینترنت منجر نمی‌شود. انجمن اینترنت جهانی، تنوع مسیرهای ارتباطی، اتصال‌های زمینی پشتیبان و میزبانی محلی محتوا را از عوامل کاهش اثر اختلال معرفی کرده است. بنابراین یک رخداد مشابه می‌تواند در شبکه‌های مختلف پیامدهای متفاوتی داشته باشد.

بانکداری؛ شواهد رسمی از اختلال در پرداخت‌ها

سازمان تنظیم مقررات ارتباطات غنا در اطلاعیه ۱۸ مارس ۲۰۲۴ اعلام کرد اختلال ارتباطات داده ناشی از خرابی کابل‌های زیردریایی، تراکنش‌های بانکی و پرداخت دیجیتال قبوض آب و برق را تحت تأثیر قرار داده است. این نهاد با حضور بانک مرکزی، انجمن بانک‌ها، شرکت پرداخت و تسویه بین‌بانکی، بورس و سپرده‌گذاری مرکزی، مشکلات را بررسی کرد. به دلیل محدودیت پهنای باند، بررسی امکان اولویت‌بخشی به خدمات حیاتی و تخصیص منابع ارتباطی بیشتر به آن‌ها نیز در دستور کار قرار گرفت.

از نظر تحلیلی، اگر انجام یک عملیات بانکی به ارسال درخواست و دریافت تأیید از سامانه‌ای وابسته باشد که ارتباط آن مختل شده است، خدمت می‌تواند با تأخیر، خطا یا عدم دسترسی مواجه شود. این پیامد به معماری هر سامانه، شبکه اختصاصی و مسیرهای پشتیبان بستگی دارد و قابل تعمیم به همه تراکنش‌ها نیست. اختلال در دسترسی نیز به‌خودی‌خود به معنای حذف موجودی حساب‌ها یا نابودی اطلاعات مالی نیست؛ چنین ادعاهایی به شواهد مستقلی نیاز دارند.

کمیته بال نظارت بانکی در سند «اصول تاب‌آوری عملیاتی» مصوب مارس ۲۰۲۱، بر توانایی بانک برای ادامه عملیات حیاتی هنگام اختلال تأکید می‌کند. شناسایی وابستگی‌های داخلی و خارجی، مدیریت وابستگی به ارائه‌دهندگان خدمات و آزمون برنامه تداوم کسب‌وکار در سناریوهای شدید اما محتمل، از محورهای این سند است.

تجارت؛ اختلال در تحویل خدمت و هماهنگی معامله

در تجارت خدمات دیجیتال، شبکه ارتباطی بخشی از مسیر تحویل خدمت است. سازمان تجارت جهانی، خدمات ابری، خدمات مالی آنلاین، پخش محتوای دیجیتال و مشاوره حرفه‌ای از راه دور را از نمونه‌های خدمات عرضه‌شده بر بستر شبکه‌های رایانه‌ای معرفی می‌کند. در نتیجه، اختلال ارتباط مشتری با ارائه‌دهنده می‌تواند دریافت این خدمات را محدود کند؛ حتی اگر تجهیزات ارائه‌دهنده سالم باشند.

در تجارت کالا، اثر احتمالی بیشتر از مسیر تبادل اطلاعات منتقل می‌شود. ثبت سفارش، ارسال اسناد، تأیید پرداخت یا هماهنگی با تأمین‌کننده، چنانچه به ارتباط آسیب‌دیده وابسته باشند، ممکن است با تأخیر مواجه شوند. این تحلیل مشروط است؛ شدت اثر به محل استقرار سامانه‌ها و امکان استفاده از رویه جایگزین بستگی دارد. برای برآورد خسارت نیز باید میان سفارش ازدست‌رفته و سفارشی که با تأخیر تکمیل شده است تفاوت گذاشت.

حمل‌ونقل؛ وابستگی فرآیندهای بندری به داده

اصلاحات کنوانسیون تسهیل ترافیک دریایی بین‌المللی که از اول ژانویه ۲۰۲۴ لازم‌الاجرا شد، استفاده از «پنجره واحد دریایی» را برای تبادل الکترونیکی اطلاعات موردنیاز ورود، توقف و خروج کشتی‌ها مقرر کرده است. این سامانه، بستر متمرکز تبادل اطلاعات میان کشتی‌ها و مراجع عمومی بندر است.

بر مبنای این وابستگی، اختلال در ارتباط لازم برای ارسال یا تأیید اطلاعات، در صورت نبود رویه جایگزین مؤثر، می‌تواند فرآیندهای اداری و هماهنگی بندری را کند کند. تأخیر عملیاتی نیز بسته به مدت انتظار و شرایط قرارداد، ممکن است هزینه اضافی ایجاد کند. این نتیجه تحلیل یک سازوکار احتمالی است؛ مقررات یادشده ثابت نمی‌کند که خرابی هر کابل به توقف بندر می‌انجامد. قطع اینترنت را نیز نباید معادل ازکارافتادن سامانه‌های ناوبری یا توقف حرکت کشتی‌ها دانست.

خدمات ابری؛ سالم بودن مرکز داده کافی نیست

گزارش رسمی مایکروسافت درباره رخداد مارس ۲۰۲۴ در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد از ساعت ۱۰:۳۳ به وقت UTC در ۱۴ مارس تا ساعت ۱۱ روز بعد، برخی مشتریان دو منطقه ابری آفریقای جنوبی با اختلال اتصال، افزایش تأخیر یا ازدست‌رفتن بسته‌های داده مواجه شدند. این رخداد حاصل ترکیب خرابی چند کابل، اختلال‌های قبلی مسیر شرقی آفریقا و نقص تجهیزی بود که ظرفیت پشتیبان را بیشتر کاهش داد.

مایکروسافت توضیح داد بعضی خدمات، با وجود استقرار محلی، برای عملکرد خود به فراخوانی نرم‌افزاری به مناطق خارج از آفریقای جنوبی وابسته بودند. کاهش ظرفیت ارتباطی، این وابستگی‌ها را تحت تأثیر قرار داد. اثر رخداد بر مشتریان یکسان نبود و به خدمت، منطقه و تنظیمات بستگی داشت. بنابراین ارزیابی تاب‌آوری باید علاوه‌بر محل استقرار سرور، وابستگی‌های لازم برای عملکرد کامل خدمت را نیز دربرگیرد.

شرکت‌ها؛ گسترش اثر از مسیر ابزارهای مشترک

شرکت ThousandEyes در پایش رخداد ۱۴ مارس ۲۰۲۴ در غرب آفریقا، اختلال دسترسی به Microsoft Outlook و افزایش تأخیر اتصال به شبکه AWS در آفریقای جنوبی را ثبت کرد. برخی کاربران خارج از منطقه نیز به دلیل عبور ارتباطاتشان از مسیرهای متأثر، افت کیفیت را تجربه کردند.

بر مبنای این شواهد، شرکتی که فرآیندهای کاری آن به خدمات آنلاین آسیب‌دیده وابسته است، ممکن است با کاهش توان انجام کار یا تأخیر در پاسخ‌گویی مواجه شود. این پیامد برای همه شرکت‌ها یکسان نیست؛ امکان کار آفلاین، ابزارهای محلی و اتصال پشتیبان می‌تواند اثر را محدود کند.

زمان تعمیر کابل با مدت اختلال خدمت متفاوت است

تنظیم‌گر غنا اعلام کرد تعمیر چهار کابل آسیب‌دیده در رخداد ۱۴ مارس ۲۰۲۴ به‌تدریج تکمیل شد: SAT۳ در ۶ آوریل، ACE در ۱۷ آوریل، WACS در ۲۹ آوریل و MainOne در ۸ مه. این تاریخ‌ها زمان پایان تعمیر کابل‌هاست و به معنای قطع کامل خدمات تا آخرین تاریخ نیست. همین نهاد در اطلاعیه ۱۸ مارس از دریافت تدریجی ظرفیت جایگزین و بهبود تجربه کاربران خبر داده بود.

انجمن اینترنت در گزارش ۲۵ آوریل ۲۰۲۴ درباره بنگلادش توضیح داد که هنگام اختلال یکی از کابل‌های زیردریایی، اتصال‌های زمینی با هند و محتوای ذخیره‌شده در داخل به حفظ خدمات کمک کردند. با این حال، برای خدماتی که کاربران معمولاً از سنگاپور دریافت می‌کردند، حدود ۲۵ درصد افزایش تأخیر ثبت شد؛ این رقم مختص همان رخداد و همان ارتباطات است.

تجربه‌های مستند، اهمیت اقتصادی کابل‌ها را روشن می‌کنند، اما میزان خسارت یک اختلال احتمالی در تنگه هرمز را مشخص نمی‌کنند. برآورد معتبر به میزان ترافیک عبوری، ظرفیت قابل استفاده مسیرهای جایگزین، مدت اختلال و وابستگی خدمات هر کشور نیاز دارد.

از نظر روش‌شناسی، کاهش ترافیک شبکه را نمی‌توان مستقیماً به همان درصد کاهش تولید یا درآمد تبدیل کرد. ارزش تراکنش‌های معطل‌مانده نیز با خسارت اقتصادی برابر نیست. هزینه بازیابی، فعالیت ازدست‌رفته و فعالیتی که صرفاً به زمان دیگری منتقل شده است باید جداگانه بررسی شوند.

به گزارش تسنیم، پرسش اصلی برای بانک‌ها، بنادر، اپراتورها و شرکت‌ها این است که کدام خدمات حیاتی آن‌ها به اتصال خارجی وابسته است، ظرفیت جایگزین چه اندازه است و برنامه ادامه فعالیت در شرایط اختلال تا چه حد آزموده شده است.

خبر ویژه

اسب زین‌شده را تحویل گرفتند حالا نعل وارونه می‌زنند!

روزنامه حزب اشرافی کارگزاران «سازندگی» در گزارشی با تیتر معنادار «وارث بحران‌ها»، تلاش کرده است تا با سیاه‌نمایی از وضعیت کشور در زمان آغاز به‌کار دولت چهاردهم و برجسته‌سازی چالش‌های ساختاری، تمامی مشکلات موجود را به گردن دولت پیشین بیندازد و عملکرد وفاقی‌ها را توجیه کند.

این در حالی است که مرور دقیق آمارهای کلان اقتصادی و دستاوردهای عینی دولت سیزدهم، واقعیت کاملاً متفاوتی را روایت می‌کند.

گزارش مذکور با اشاره به گلایه‌های پزشکیان در آیین بازگشایی دانشگاه‌ها، تلاش می‌کند تصویری از یک دولت دست‌بسته و احاطه‌شده توسط بحران‌های لاینحل ارائه دهد. در این گزارش آمده است: «رئیس‌جمهور بار دیگر از دشواری اداره کشور گلایه کرد؛ از شرایطی که به گفته او، دولتش وارث آن شده و موانعی که حتی اصلاحات و تغییر مدیران را هم دشوار کرده است... به هر کسی می‌خواهی دست بزنی، یک‌جایی مسئله درست می‌کندا!»

سازندگی همچنین با یادآوری چالش‌های متعدد آغاز به کار دولت، از جمله ناترازی شدید انرژی، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران، تورم انباشته، دلار نزدیک به ۵۹ هزار تومانی و سایه سنگین جنگ، سعی دارد اثبات کند که دولت چهاردهم در شرایطی پر از مصیبت سکان هدایت اجرائی کشور را برعهده گرفته است:

«دولت چهاردهم از همان آغاز با مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی و زیرساختی روبه‌رو بود؛ مشکلاتی که در ادامه با تشدید بحران‌های امنیتی و منطقه‌ای و وقوع دو جنگ، ابعاد پیچیده‌تری یافت و مسیر اجرای وعده‌های انتخاباتی پزشکیان را دشوارتر کرد.»

این روزنامه زنجیره‌ای در بخش دیگری از گزارش خود با انگشت گذاشتن بر چالش‌های اجتماعی و روانی جامعه مدعی می‌شود: «پزشکیان در شرایطی به ریاست‌جمهوری رسید که نشانه‌های سرخوردگی سیاسی و اجتماعی، ازجمله کاهش مشارکت در انتخابات‌های سال‌های پیش از آن به یکی از دغدغه‌های مهم کشور تبدیل شده بود... بخشی از جامعه از تداوم تحریم‌ها و فشار معیشتی ناراضی بود و خواستار تغییر در شیوه مواجهه حکومت با سبک زندگی، آزادی‌های اجتماعی و دسترسی به اینترنت بودند.»

این روزنامه همچنین یادآور می‌شود که «عدم تحقق کامل رفع فیلترینگ و تداوم مناقشات اجتماعی» در کنار بحران‌های اقتصادی و توقف مذاکرات هسته‌ای پس از درگیری‌های منطقه‌ای، بار سنگینی بر دوش «جامعه منتظر تغییر» گذاشته است.

در نقطه مقابل ادعاهای مطرح شده در جریان تسلیمی، بررسی کارنامه و آمارهای واقعی اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که دولت سیزدهم (شهید رئیسی عزیز) برخلاف ادعای مدعیان اصلاحات، کشوری با شاخص‌های رو به رشد، خزانه‌ای تثبیت‌شده و ساختاری سامان‌یافته را تحویل دولت چهاردهم داد.

برخلاف مرداد ۱۴۰۰ که دولت سابق کشور را با خزانه خالی، بدهی‌های کلان انباشته، تورم سرسام‌آور ۶۰ درصدی، قطعی‌های مکرر برق و بحران مرگ‌ومیر روزانه ۷۰۰ نفری کرونا تحویل داده بود، دولت سیزدهم با تکیه بر دیپلماسی هوشمند همسایگی، عضویت در بریکس و شانگهای و توسعه تعاملات منطقه‌ای، ثبات را به بازارهای مالی بازگرداند. نرخ رشد اقتصادی از منفی ۳ درصد به ۵.۷ درصد ارتقا یافت، فروش نفت به نزدیک دو میلیون بشکه در روز رسید و ذخایر ارزی کشور از صفر به بیش از ۵۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. همچنین در حوزه زیرساختی با افزودن ۹ هزار مگاوات به ظرفیت نیروگاهی، خاموشی‌های تابستانه مهار شد و با ساخت بیمارستان‌ها و بیمه رایگان ۵ دهک اول، گام‌های بلندی در رفاه اجتماعی برداشته شد.

نکته قابل تأمل اینجاست که جریان مدعی اصلاحات و حامیان کابینه وفاق، امروز در حالی با انتشار گزارش‌هایی نظیر «وارث بحران‌ها» و مانور روی «سرخوردگی اجتماعی» به فرافکنی می‌پردازند که خود بانیان اصلی مشکلات ساختاری، انباشت ناترازی‌ها و ایجاد یاس اجتماعی در دهه گذشته و مقطع فعلی بوده و هستند. حقیقت آن است که دولت چهاردهم وارث ریل‌گذاری‌های صحیح و ظرفیت‌های ارزشمندی است که در طول سه سال خدمت مجاهدانه دولت سیزدهم ایجاد شد و سیاه‌نمایی شرایط گذشته، تنها فرار از مسئولیت پاسخگویی است.

روزه سکوت مدعیان اصلاحات در برابر ظلم «علی‌اف» به دختران آذربایجان

جمهوری آذربایجان، کشوری در قفقاز جنوبی، از نظر ترکیب مذهبی یکی از جوامع قابل توجه در جهان اسلام است. بر اساس بسیاری از آمارها، بیش از ۹۵ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند و اکثریت قاطع آنان شیعه هستند.

با این حال، ساختار سیاسی این کشور سکولار است و دولت باکو در سال‌های اخیر به دلیل همکاری‌های راهبردی، امنیتی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی عمله نتانیاهو شناخته می‌شود. همین ترکیب، یعنی اکثریت شیعی در جامعه و دولت سکولار و غرب‌گرا، زمینه‌ساز یکی از مهم‌ترین تناقض‌های حقوق بشری در منطقه یعنی محدودیت پوشش شرعی دختران دانش‌آموز شده است.

در سال‌های اخیر، وزارت آموزش آذربایجان با استناد به اصل سکولاریسم، مقرراتی برای پوشش مدارس تصویب کرده که عملاً حجاب را برای دانش‌آموزان دختر محدود می‌کند. هرچند مسئولان این کشور معمولاً از واژه «ممنوعیت حجاب» استفاده نمی‌کنند و آن را «قاعده لباس مدارس» می‌نامند، اما گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان محجبه از ورود به کلاس‌ها بازمانده‌اند یا تحت فشار مدیران و معلمان قرار گرفته‌اند تا حجاب خود را بردارند.

این وضعیت اعتراضات مردمی را در باکو، ماساللی و برخی شهرهای دیگر برانگیخته است. شعار «حجاب مانع آموزش نیست» به نمادی از مقاومت خانواده‌های مسلمان در برابر این سیاست تبدیل شده است. نکته مهم آن است که این محدودیت نه از سوی یک جریان افراطی ضداسلامی، بلکه از سوی دولتی اعمال می‌شود که خود را دوست و متحد غرب معرفی می‌کند.

پرسش اصلی اینجاست؛ چرا مدعیان اصلاحات و جریان غرب‌گرا و مدعیان دفاع از حقوق زنان در ایران، که در قبال مسائل مرتبط با حجاب در داخل کشور صدای انتقادشان بلند است و آن را به مسئله‌ای جهانی تبدیل می‌کنند، در برابر محدودیت حجاب در آذربایجان سکوت اختیار کرده‌اند؟ این سکوت در حالی است که همان افراد و رسانه‌ها معمولاً در برابر هر خبر کوچکی درباره حجاب در ایران واکنش سریع نشان می‌دهند.

به نظر می‌رسد بخشی از این سکوت ریشه در ملاحظات سیاسی دارد؛ آذربایجان برای برخی جریان‌های اپوزیسیون ایرانی، متحد راهبردی در برابر جمهوری اسلامی تلقی می‌شود و بنابراین نقد رفتار آن به مثابه تضعیف جبهه خودی تعبیر می‌شود. بخش دیگر به ایدئولوژی سکولار و غرب‌گرا بازمی‌گردد که حجاب را نه یک حق مذهبی، بلکه نمادی از عقب‌ماندگی می‌داند؛ از این منظر، محدودیت حجاب در آذربایجان یا فرانسه نه نقض حقوق بشر، بلکه «اجرای سکولاریسم» تفسیر می‌شود.

آنچه در آذربایجان، فرانسه و افغانستان می‌گذرد، سه جلوه از یک واقعیت واحد است؛ نقض حق آموزش و آزادی مذهبی دختران. کسی که واقعاً دغدغه حقوق زنان را دارد، نمی‌تواند در برابر رنج دختران محجبه آذربایجانی سکوت کند و همزمان برای زنان افغانستان بیانیه صادر کند. استاندارد دوگانه، نه تنها به عدالت آسیب می‌زند، بلکه اعتبار مدعیان حقوق بشر را نیز از بین می‌برد. انتظار می‌رود جریان‌های مدعی حقوق زنان، به جای سکوت سیاسی، همان صدایی را که برای زنان افغانستان بلند می‌کنند، برای همه زنان مسلمان در سراسر جهان، از باکو تا پاریس، به‌کار گیرند.

اشتباه محاسباتی اسرائیل از زبان معاون پیشین موساد

«ایرانی‌ها توانایی موشکی دارند که با آن موافق نیستیم... ما نمی‌توانیم در هر لحظه با تهدید موشکی کنار بیاییم... اسرائیل باید اقدامی انجام دهد تا ایران به توانایی موشکی بیشتری دست نیابد، فکر نمی‌کنم اقدام بدون آمریکایی‌ها ممکن یا ضروری باشد»؛ این بخشی از مصاحبه «رام بن باراک»، معاون پیشین موساد است که ۱۶ روز قبل از حمله مشترک اسرائیل و آمریکا به ایران یعنی در ۲۳ بهمن ۱۴۰۴ از وب‌سایت صهیونیستی «واللا» منتشر شد.

معاون پیشین موساد که پیش از جنگ «رمضان» از مُشوّقان رویارویی اسرائیل با ایران بود؛ پس از نمایان شدن تبعات و پیامدهای جنگ به جرگه منتقدان پیوست و از موضع «حمله کنید!» تا «نتیجه نگرفتیم، مذاکره کنید!» عقبگرد داشت.

اولین نشانه‌های عقبگردِ بن باراک در ۵ فروردین ۱۴۰۵ در گزارش روزنامه صهیونیستی «جروزالم پست» نمایان شد؛ این روزنامه به نقل از بن باراک نوشت: «با توافق مخالف نیست، در نهایت، هر جنگی باید با توافقی پایان یابد؛ شما برای همیشه نمی‌جنگید. اما توافق باید منعکس‌کننده دستاوردهای ما تا به امروز باشد و چیزی را در ازای «هیچ» به ایرانی‌ها ندهد».

۱۱ مهر ۱۴۰۵ نیز باراک طی مصاحبه‌ای با سایت «جامعه یهودیان اروگوئه» گفت: «ایران از این جنگ قوی‌تر بیرون آمد، زیرا نشان داد که قادر به ایستادگی در برابر قوی‌ترین ارتش جهان و قوی‌ترین ارتش خاورمیانه است»؛ نتیجه‌ای که دور از انتظار و محاسبات اسرائیل و آمریکا بود.

او همچنین در مصاحبه‌ای دیگر که با شبکه ۱۲ اسرائیل داشت، اعتراف کرد: «حمله به ایران برای سرنگونی بود ما به چنین نتیجه‌ای نرسیدیم، من حتی فراتر می‌روم و می‌گویم که اجرای عملیات «غرش شیر» نیز اشتباه بود».

وی در همان مصاحبه افزود: «درگیر مذاکراتی شدیم که پایان ندارد، احتمالاً مجبور می‌شویم اقداماتی انجام دهیم که به توافق با ایران منجر شود، توافقی که مانع دسترسی ایران به بمب هسته‌ای شده و مسیر تنگه را باز کند».

اظهارات رام بن باراک، نماینده کنست و معاون جنگ‌طلب پیشین موساد، قبل و بعد از عملیات «غرش شیران» تغییری محسوس و قابل ملاحظه داشت؛ تغییری که پس از اعتماد و اتکا به محاسبات غلط از تاکید بر «سرنگونی» تا ضرورت مذاکره عقب‌نشینی کرد.

گفت و شنود

گور بابا!

گفت: روز دوشنبه وزارت امور خارجه انگلیس سفیر کشورمان را احضار کرده بود!

گفتم: حتماً خواسته است از همراهی انگلیس با آمریکا در تحریم‌های ضدبشری علیه کشورمان عذرخواهی کند!

گفت: ای عوام! خونه خرس و بادیه مس؟! این روباه مکار یک عمر در کشورها دست به دزدی و غارت اموال عمومی و قتل‌عام مردم زده است و حالا هم که پشم و پیلیش ریخته، دست از این کثافت‌کاری‌ها برنداشته است.

گفتم: پس حتماً بعد از اعتراف دبیرکل اتحادیه اروپا به ۵۰۰۰ پرواز جنگنده‌های آمریکایی که از فرودگاه‌های اروپا علیه ایران انجام شده بود، پوزش خواسته است!

گفت: سفیر ما را احضار نموده و ادعا کرده‌اند دو تبعه ایرانی، مشکوک به ارتباط با توطئه خنثی‌شده انفجار در پایگاه هوایی «فرفورد» بوده‌اند! و چند کشور اروپایی نیز ایران را به تلاش برای ضربه زدن به متحدان آمریکا متهم کرده و اعلام داشته‌اند که در مقابل این حرکت خواهیم ایستاد!

گفتم: یارو قمپز در می‌کرد و می‌گفت در هر دعوایی حرف آخر را من می‌زنم. پرسیدند چی میگی؟ گفت؛ میگم غلط کردم به گور بابام خندیدم!

جلیلی:

دشمن، رهبر خردمند یک کشور را با موشک هدف قرار می‌دهد این‌ها طرفدار گفت‌وگو هستند؟

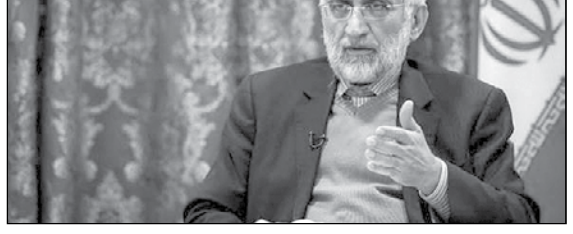

نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی با اشاره به ترور امام شهید و طرح ادعای گفت‌وگو از سوی دشمنان تصریح کرد: رهبر خردمند یک کشور را با موشک هدف قرار می‌دهند؛ این‌ها طرفدار گفت‌وگواند؟

دکتر سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در مراسم بزرگداشت رهبر شهید و سالروز عملیات طوفان‌الاقصی که در دانشگاه تهران برگزار شد، با تأکید بر ضرورت نقش‌آفرینی ایران در تراز قدرت‌های بزرگ جهان گفت: نباید اجازه دهیم سطح بازیگری ما به مطالبات محدود و جزئی تقلیل پیدا کند.

وی با اشاره به تقابل چند دهه‌ای نظام سلطه با ملت ایران اظهار کرد: نظام سلطه حدود ۸۰ سال است که برای تثبیت منافع نامشروع خود تلاش می‌کند، اما در برابر آن، کانونی از مقاومت شکل گرفته که آزادگان جهان را هدایت می‌کند و نقشه‌های این نظام را برهم می‌زند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی بیان داشت: در ماه‌های منتهی به نهم اسفند، چهره‌هایی از دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آمریکا در مقالات خود از ضرورت به پایان رساندن کار سخن می‌گفتند، اما ایستادگی ملت ایران دشمن را به عقب راند و آن را به استیصال کشاند. امام شهید ما قله را به ملت نشان می‌دادند و می‌فرمودند به قله نزدیکیم. ایشان با خون خودشان اثبات کردند که ما نزدیکیم. با خون خودشان نشان دادند که مرزهای قدرت یک ملت تا چه اندازه می‌تواند ارتقا پیدا کند و مرزهای عظمت یک ملت چقدر می‌تواند گسترش یابد.

وی با اشاره به اذعان برخی محافل غربی به جایگاه قدرت ایران اظهار کرد: همان کسانی که پیش‌تر از ضرورت تغییر رفتار نظام ایران و از میان برداشتن آن سخن می‌گفتند، امروز نیز مواضع خصمانه خود را دنبال می‌کنند، اما در عین حال در تحلیل‌هایشان ایران را یکی از چهار قدرت مؤثر جهان می‌دانند. این ارزیابی بر اساس محاسبات مادی خود آنهاست، در حالی که رهبر معظم انقلاب با محاسبات الهی، ایران را قدرت اول می‌دانند.

جلیلی با انتقاد از برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی درباره جامعه ایران گفت: بزرگ‌ترین افتخار یک ملت این است که رهبری در جایگاه هدایت آن قرار داشته باشد که مظهر خرد و خردورزی و نماد کامل نشانه‌های ایمانی، رفتاری، اعتقادی و تمدنی یک ملت باشد. این عظمت امام شهید ما بود. این را باید به جامعه‌شناسانی گفت که هنوز از درک جامعه ما عاجزند. نگویید نمی‌دانم این پرچم قرمز را چه کسی خریده و داده است. این چه سطح مبتذلی از جامعه‌شناسی است؟ کسی که نمی‌تواند ملتی را بشناسد که ۲۲۰ شب است حماسه می‌آفریند، چگونه می‌خواهد درباره این جامعه اظهارنظر کند؟ این هنر امام ما و انقلاب ما بود که یک ملت را تا این اندازه ارتقا داد. ازاین‌رو، امروز شما باید در چنین تراز و سطحی بازیگری کنید؛ در تراز یکی از چهار قدرت جهان.

وی با اشاره به ترور امام شهید و طرح ادعای گفت‌وگو از سوی دشمنان تصریح کرد: رهبر خردمند یک کشور را با موشک هدف قرار می‌دهند؛ این‌ها طرفدار گفت‌وگواند؟

نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به سؤالی درخصوص ماجرای قضائی پیش آمده بین دو نماینده مجلس گفت: رهبر معظم انقلاب یکی از جملاتی که بیان فرمودند، این بود که اختلافات، ولو موجه باشند، نباید موجب به‌هم‌خوردن وحدت شوند. واقعاً من در همین موضوع و موضوعات دیگر، به همه دوستان عرض کرده‌ام که نباید در شرایطی که ملت ما این‌گونه به میدان آمده است و با وحدت از نظام و انقلاب حمایت و پشتیبانی می‌کند، شاهد چنین رویدادهایی باشیم. ممکن است از نظر حقوقی، موضوعی دارای حکم قضائی باشد؛ اما آنچه اهمیت دارد، این است که امروز همه نیروهای انقلاب باید از این مسائل عبور کنند و برای نقش‌آفرینی در تراز انقلاب بایستند. ان‌شاءالله همه ما باید تلاش کنیم تا در این مسیر، نقش‌آفرینی شایسته‌ای داشته باشیم.

غریب‌آبادی:

آمریکا می‌داند چه الزاماتی را باید برآورده کند

معاون وزیر امور خارجه گفت که آمریکا می‌داند چه الزاماتی را باید درباره ایران برآورده کند.

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری «ریانووستی» اظهار داشت که ایران از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به خاطر تمایلش برای کمک به حل مناقشه میان تهران و واشنگتن قدردانی می‌کند.

غریب‌آبادی گفت: «روسیه همواره موضع خود را به صراحت بیان کرده است؛ مبنی بر اینکه این مناقشه که توسط آمریکا آغاز شده باید پایان یابد و این تجاوز متوقف شود؛ همچنین روسیه پیوسته آمادگی خود را برای تلاش در جهت دستیابی به صلح ابراز داشته است. ما سپاسگزاریم که رئیس‌جمهور روسیه، با توجه به ظرفیت‌های عظیم این کشور، آمادگی خود را برای کمک به این موضوع اعلام کرده است».

به گزارش تسنیم، پوتین در دیدار با رئیس‌جمهور ایران، آمادگی مسکو را برای کمک به حل‌وفصل وضعیت خاورمیانه اعلام کرد.

معاون وزیر امور خارجه همچنین در این مصاحبه درخصوص نقض تفاهم‌نامه اسلام‌آباد از سوی آمریکا تاکید کرد: این ایران نیست که باید انعطاف‌پذیر باشد، ما نیستیم که تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را نقض کرده‌ایم؛ تفاهم‌نامه و تعهدات انجام‌شده توسط آمریکا نقض شده است.

غریب آبادی تصریح کرد: آمریکا می‌داند چه الزاماتی را باید برآورده بکند؛ هر وقت این شرایط برآورده شد، ما هم اقدام لازم را انجام خواهیم داد.

معاون وزیر امور خارجه ایران در ادامه هشدار داد: اگر آمریکا اشتباه گذشته را تکرار کند و به دنبال سناریوهای نظامی برود، تبعات و آثار آن فراتر از منطقه خواهد بود، آمریکایی‌ها هستند که اکنون باید انتخاب بکنند که به کدام مسیر بروند؛ ایران برای هر سناریو و وضعیتی آماده است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

*حزب‌الله قهرمان لبنان بحمدالله امروز علی‌رغم خباثت و جنایت بی‌شمار رژیم جعلی صهیونی و آمریکا در شرایطی از اقتدار قرار دارد که شیطان بزرگ، عربستان و دولت لبنان قبول کرده‌اند که نه‌تنها حذف، حتی خلع سلاح حزب‌الله هم ممکن نیست. این از برکت خون مقدس شهدای آن به‌ویژه قهرمان عرب و شامات سیدحسن نصرالله اعلی‌الله مقامه‌الشریف است.

رودباری

*آمریکا به دنبال مختل کردن پروازهای ایران و اعمال محاصره هوائی بود. اما حالا در پی تشدید درگیری‌های یمن و عربستان، با توقف فعالیت فرودگاه ریاض و لغو گسترده پروازها روبه‌رو شده است. این تحولات بار دیگر یک واقعیت را یادآوری می‌کند. و آن این که در خاورمیانه صلح و آرامش یکجانبه معنایی ندارد. یا صلح برای همه است یا برای هیچ‌کس.

زحمت‌کش

* یکی از مهم‌ترین درس‌های جنگ اخیر را باید در تحول مفهوم پایگاه نظامی جست‌وجو کرد. به این معنا که پایگاه‌های آمریکا در منطقه که روزگاری نماد قدرت بی‌چون‌وچرای واشنگتن بودند، اکنون به گره‌های آسیب‌پذیر شبکه نظامی آمریکا تبدیل شده‌اند.

سیمیاری

*طوفان‌الاقصی ضربه بسیار بزرگی به امنیت رژیم سفاک و ددمنش صهیونی وارد کرد، به‌گونه‌ای که امام شهید آن را غیرقابل التیام خواند. این سگ زنجیره‌ای غرب دقیقاً سلسله جنگ‌هایی که در این سه سال علیه فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران به راه انداخت، با هدف بازگرداندن امنیت نسبی پیش از طوفان‌الاقصی صورت داد ولی باد درو کرد!

کریمی

*وقتی در تنگه هرمز، آرایش جنگی گرفته شده، نیاز است که یک آرایش جنگی در بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و ساختارهای اقتصادی نیز گرفته شود. امروز این آرایش کمتر احساس و لمس می‌شود. چرا؟

رفعتی

*نیروهای مسلح ایران سفت و سخت، بر تنگه هرمز تسلط داشته و ادعاهای شل شدن آن از سوی دشمن برای تأثیرگذاری کوتاه‌مدت بر بازار و شوک به کمپین انتخاباتی ترامپ و جمهوری‌خواهان است.

صیفوری

*چیزی که در حال حاضر همگان شاهد آن هستیم این واقعیت است که ایران با موشک‌ها و پهپادهای ارزان‌قیمت خود، آمریکا را به چالش کشیده است. عصر آمریکایی که پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، اکنون رو به پایان است و سلطه جهانی آمریکا نمی‌تواند ادامه پیدا کند.

حدادی

*آمریکا روزی به این منطقه آمد تا بگوید من امنیت شما را تأمین می‌کنم، اما امروز عمده کشورهای منطقه به این باور رسیده‌اند که آمریکا نه‌تنها نمی‌تواند امنیت آن‌ها را تأمین کند، بلکه حتی قادر به تأمین امنیت پایگاه‌های خودش هم نیست. به عبارت دیگر آمریکای ترامپ جایگاه ادعایی و قبلی خود را از دست داده است.

صدوقی

*به حرف‌هایی که ترامپ در فضای مجازی در مورد باز بودن تنگه هرمز می‌زند نباید توجه داشت. واقعیت‌های میدانی با اظهارات رسانه‌ای تغییر نمی‌کند. در حال حاضر هیچ سازوکار عملی و پایداری برای ناوبری ایمن از تنگه هرمز، خارج از چارچوبی که ایران تعیین و تأیید کرده، وجود ندارد. ترامپ نمی‌تواند بازارهای انرژی را آرام کند یا هزینه‌های محاصره و سیاست‌های خصمانه خود را با نمایش و انتشار پست‌ها در شبکه‌های اجتماعی پنهان کند.

بنیانی

*مدیران شرکت‌های بزرگ انرژی هشدار دادند در صورت تداوم جنگ و توقف جریان نفت از تنگه هرمز، قیمت هر بشکه نفت خام ممکن است به ۲۰۰ دلار برسد. مدیرعامل آرامکو هم از کاهش شدید ذخایر جهانی نفت خبر داد و گفت بازسازی این ذخایر ممکن است تا ۲ سال طول بکشد.

سمسار

*حدود یک سال پیش، سرویس امنیتی آمریکا و رژیم جعلی کودک‌کش، گروه‌های تجزیه‌طلب به‌ظاهر ایرانی را جمع کرده و به آنان گفتند طی دو ماه ایران را به چند قطعه تجزیه می‌کنیم و به شما می‌سپاریم. خب الان وضع این‌ها؛ یعنی رژیم اسرائیل، آمریکا، دولت‌های خائن منطقه و گروهک‌های مسلح تجزیه‌طلب را همه می‌بینند که چگونه مات و مبهوت شده و در سردرگمی به سر می‌برند!

رجبی

*ترامپ با شعار «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» شروع کرد و امروزه آمریکا به اعتراف مقامات جهانی به ضعیف‌ترین و شکننده‌ترین دوران تاریخ خود رسیده است تا آنجا که به نوشته روزنامه وال‌استریت‌ژورنال؛ ایران آمریکا را به زانو درآورده است!

شمسی‌خانی

*دشمنان احمق اعلام کرده بودند که بعد از حمله نظامی به ایران مردم ایران علیه نظام اسلامی و مسئولان کشورشان دست به شورش می‌زنند و زمینه لازم برای فروپاشی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌شود! ولی مردم شریف و پاکباخته ایران اسلامی در سراسر کشور با فرموده امام شهید (ملت مبعوث‌شده) دست به تجمعات شبانه زدند که نه‌فقط در تاریخ ایران بلکه به گفته تاریخ‌دانان برجسته، در تمامی طول تاریخ بشر بی‌نظیر است و نقشه دشمن را نقش بر آب کردند! درود و سلام خداوند بر این ملت مبعوث‌شده.

فدایی

*آمریکا که برای چند دهه فروشنده امنیت خیالی و ادعایی به کشورهای جهان بود امروز ناتوان‌تر از هر زمان دیگر خود به عامل ایجاد ناامنی و خسارت به منافع کشورهای جهان تبدیل شده است!

قادری

*در شرایطی که کشور نیازمند اتحاد مقدس و مقاومت در برابر دشمن آمریکایی- صهیونیستی است، جای تأسف دارد که بانیان خسارت محض برجام، به‌جای پاسخگویی و عذرخواهی از ملت، هنوز مشغول حاشیه‌سازی و ترور شخصیت سربازان وطن هستند.

علی‌بیک

*یکی از حاکمان بی‌خرد کاخ سفید درباره تمدن ایران سخنان گزاف و اراجیفی را بر زبان آورده در حالی که این احمق خبر ندارد که درختان چنار باغ‌موزه سعدآباد، بیش از ۳۰۰ سال عمر دارند. یعنی عمر این درختان از عمر حاکمیت ایالات متحده آمریکا بیشتر است.

جلالت

*رئیس‌جمهور محترم می‌گوید: «با دشمنی که هر روز ترور، تحریم، فشار و تهدید می‌کند و پیمان‌شکن است، مذاکره معنا ندارد و ملت ما نیز چنین رویکردی را نمی‌پذیرد.» این سخن حقی است که عقلا می‌پذیرند. ولی متأسفانه پس از این سخن دوباره کاملاً عکس این گفته خود را در دیدار با رئیس جمهور روسیه موضع می‌گیرند که؛ ما در حال گفت‌وگو هستیم، اما هربار که با آمریکا گفت‌وگو می‌کنیم، دوباره حمله می‌کنند، ولی ما از میز مذاکره و گفت‌وگو کنار نخواهیم کشید؟!

دریایی

*عدم برگزاری جلسات مجلس در این شرایط، غیر قابل قبول و به دور از تدبیر است! ما از عزیزانی که توانایی این را دارند که این مشکل را حل کنند درخواست می‌کنیم که نگذارند این روند غلط تداوم یابد.

مشایخی

*از شهردار محترم تهران که علاوه‌بر رسیدگی به امور جاری شهرداری، در کمک به دولت برای کاهش هزینه زندگی مردم به‌جد تلاش وافر دارند تقدیر و تشکر می‌شود.

حسنی، کمندلو، عقیقی و...

*حدود ۸۰ درصد تجارت کشور در حالت عادی از طریق دریا انجام می‌شد و همین نقطه، هدف اصلی دشمن برای ضربه‌زدن به اقتصاد ایران قرار گرفت. اما پاسخ هوشمندانه تهران، انتقال ظرفیت تجارت دریایی به مرزهای زمینی بود. راهبردی که هم تدبیر و هم اقتدار را در خود جای داده و نشان می‌دهد سیاست‌گذاران ایرانی پیش از هر تهدیدی، جایگزین‌های راهبردی خود را آماده کرده‌اند.

پورولی

*هم‌زمان با مانور سنگین ماشین جنگ روانی غرب و پمپاژ دروغین کلیدواژه «فروپاشی اقتصادی و سیاسی ایران»، یک مقام ارشد رژیم صهیونیستی یعنی نخست‌وزیر سابق رژیم پرده از واقعیت میدان برداشت و اعتراف کرد: تل‌آویو در مهار راهبردی تهران به‌طور کامل شکست خورده است.

رودبارکی

* آقای ظریف در سخنرانی خود گفته نباید در گذشته و تهدیدها متوقف ماند و باید با نگاه فرصت‌محور به آینده فکر کرد. در نقد این بیان ایشان باید بگویم نماندن در گذشته و عبور از آن، اگر به معنای فراموش‌کردن تجربیات و عبرت‌ها باشد کاملا اشتباه است. تجربه تلخ برجام سراسر خسارت، به ما آموخت که از خطاها باید درس گرفت. ساخت آینده بدونِ عبرت‌گرفتن از گذشته، می‌تواند به تکرار همان اشتباهات منجر شود. گذشته چراغ راه آینده است.

مسیبی